رئیس مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# پیام نور چالش تناسب نیروی انسانی و ماموریت دارد

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

**نظارت بر عملکرد دانشگاه‌های کشور فارغ از نوع ماموریت شان، کاری است که برعهده وزارت علوم گذاشته شده تا از این طریق خیال دولطلبانی که درحال تحصیل دانشگاه‌ها هستند، راحت شود. هرچند با انتشار خیرهایی مبنی بر مدرک جعلی یکی از نمایندگان مجلس با عدم فراهم بودن شرایط لازم برای تحصیل دانشجویان در برخی موسسات غیرانتفاعی حواشی مختلفی را متوجه آموزش عالی و عملکرد مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت این وزارتخانه رقم زده است. مرکزی که یک‌سال است تغییرات اساسی در روند کاری خود ایجاد کرده و با انتجام سفرهای کیفیت به استان‌های مختلف تلاش دارد سرویس‌سازی به وضعیت موجود بدهد. از طرف دیگر تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر ایجاد سازمان ملی سنجش و ارزشیابی گیرد، رتبه‌بندی داخل آن معنای بهتری پیدا می‌کند، یعنی موسسات همگون به‌لحاظ عملکردی با هم مقایسه می‌شوند. به‌عبارت دیگر رتبه‌بندی ناظر به عملکرد در طبقه همان موسسه خواهد شد. درحالی‌که امروز جای این مقوله، در نظام رتبه‌بندی ما خالی است که امیدوارم نظام سطح‌بندی هم به‌سرعت تکمیل شود.**

**الگوی سطح‌بندی زیرنظام غیرانتفاعی تدوین شده است**

**در سال ۱۴۰۰ برخلاف سال‌های قبل که فقط رتبه‌بندی خارجی داشتیم برای اولین‌بار ارزیابی نظام دانشگاه‌های داخلی منتشر شد؛ این اتفاق چه اثری در آموزش عالی داشت و چگونه باعث تغییر مسیر حرکت دانشگاه‌ها شده است؟**

اهمیت و ضرورت رتبه‌بندی داخلی در این است که منطق رتبه‌بندی ما براساس مسائل و اولویت‌های خودمان باشد؛ هرچند رتبه‌بندی‌های بیرونی و خارج از کشور هم در جای خودش مفید هستند. بااین‌حال سعی شد موسسه استعدادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) این رتبه‌بندی را انجام دهد. البته به‌تدریج تلاش می‌شود اولویت‌هایی که در کشور مطرح بوده و سیاست‌های علم و فناوری که مدنظر و متناسب با اقتضائات کشور است، در آن لحاظ شود. در یکی، دوسال اخیر نظام‌های رتبه‌بندی متنوع داخلی ایجاد شده است، مثلا با توجه به اینکه بحث بهره‌وری آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته، رتبه‌بندی‌هایی بر این اساس استخراج و اعلام شد.

هریک از این شاخص‌ها و رتبه‌بندی‌ها جهت‌ده هستند. وقتی دانشگاه‌ها براساس معیاری خاص رتبه‌بندی می‌شوند، این پیامی است که برای کشور توجه به این موضوع خاص اهمیت دارد و شما براساس آن شاخص مدنظر، در موقعیت اعلامی قرار گرفته‌اید و طبیعتا جایگاه دانشگاه‌ها براساس شاخص مذکور منتشر می‌شوند.

در ادبیات رتبه‌بندی طبق الگوهای جدید، بحث تازه‌ای در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مطرح شد که ما مفاهیم رتبه‌بندی و سطح‌بندی را از هم جدا کردیم، چون همواره از نظام رتبه‌بندی ایرادی اساسی گرفته می‌شود که چرا همه زیرنظام‌ها براساس یک‌سری شاخص واحد رتبه‌بندی می‌شوند؟! درحالی‌که ماهیت گونه‌ها و زیرنظام‌های آموزش عالی از حیث هدف و ماموریت از هم متفاوت هستند. آنچه برای سیاستگذار مهم است قبل از رتبه‌بندی، سطح‌بندی است، یعنی ما باید موسسات‌مان را براساس نوع فعالیت‌شان در طبقات همگونی قرار دهیم. اینکه دانشگاه‌های بزرگ و سابقه‌دار مان را با دانشگاه‌های تازه‌تاسیس و دانشگاه‌هایی با ماموریت‌های متفاوت، در یک نظام رتبه‌بندی قرار دهیم و آنها را با هم مقایسه کنیم، کمی محل بحث است. لذا ما مبحث سطح‌بندی را در سال‌های اخیر در اولویت قرار دادیم و الان در مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت درحال طراحی الگوی سطح‌بندی برای زیرنظام‌های مختلف هستیم. مثلا در حوزه غیرانتفاعی تقریبا الگو کامل شده است، یعنی الگوی سطح‌بندی ما برای این زیرنظام آموزشی طراحی شده و اعتبارسنجی اولیه هم انجام گرفته و اگر اعتبارسنجی نهایی شود، در مدت کوتاهی اجرایی خواهد شد. وقتی سطح‌بندی صورت گیرد، رتبه‌بندی داخل آن معنای بهتری پیدا می‌کند، یعنی موسسات همگون به‌لحاظ عملکردی با هم مقایسه می‌شوند. به‌عبارت دیگر رتبه‌بندی ناظر به عملکرد در طبقه همان موسسه خواهد شد. درحالی‌که امروز جای این مقوله، در نظام رتبه‌بندی ما خالی است که امیدوارم نظام سطح‌بندی هم به‌سرعت تکمیل شود.

**بحث انضباط و انتظام موسسات غیرانتفاعی اولویت وزارت علوم بود**

**چرا اول سراغ غیرانتفاعی‌ها رفتید؟**

امروز در کشور طیف گسترده‌ای از غیرانتفاعی‌ها و غیردولتی‌ها و در صدر آن دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه آزاد را با گستره وسیعی داریم، در مقابل موسساتی هم هستند که محدودتر و کوچک‌ترند و هرکدام عملکردهای مختلفی دارند. موسسات غیرانتفاعی و غیردولتی‌ای داریم که عملکرد قابل‌تقدیری دارند و از یک‌سو موسساتی هستند که فاقد استانداردهای لازم برای فعالیت در آموزش عالی هستند.

با توجه به اینکه تاکنون فارغ‌التحصیلان دوره رتبه‌بندی موسسات آموزش غیرانتفاعی انجام نشده است، نظارگاروهای تخصصی و اعتبارسنجی به این بود که روی مساله انتظام بخشی در این موسسات تمرکز شود. به‌عبارتی مساله ما در غیرانتفاعی‌ها روشن بود، یعنی مساله انتظام بخشی، به همین دلیل بحث انضباط و انتظام موسسات غیرانتفاعی را در اولویت گذاشتیم.

**چند وقت پیش ازسوی یکی از هیات‌های نظارت و ارزیابی استانی خبری منتشر شد که نشان می‌داد برخی از موسسات آموزشی، هیات علمی دائمی ندارند که بخش مهمی از آنها شامل همین غیرانتفاعی‌هاست، در این شرایط نحوه نظارت بر این موسسات چگونه است؟ برخود قهری هم دارید؟**

بله، ما دو مسیر برای نظارت و ارزیابی موسسات داریم؛ یکی زمانی است که موسسات درخواست‌هایی دارند، به‌خصوص وقتی درخواست توسعه‌محور باشد. شرایط شان را حتما بررسی می‌کنیم، مثلا موسسه‌ای که می‌خواهد دانشکده جدید یا رشته جدید ایجاد کند. در این شرایط گزارش مرکز نظارت اخذ می‌شود برای اینکه ببینیم وضعیت موسسه متقاضی چگونه است و آیا ظرفیت لازم برای توسعه را دارد یا نه؟ اخیرا هم بیشتر روی این تاکید شده و بنابر تاکید مقام اسنادی وزارت در شورای گسترش آموزش عالی، تصمیماتی که برای توسعه حتی دانشگاه‌های دولتی، پارک‌های علم و فناوری و پژوهشگاه‌ها گرفته می‌شود، منوط به دریافت گزارش از مرکز نظارت شده است، یعنی حتما در فرآیند تصمیم‌گیری به آن گزارش استناد و در مجموع برآیند کار در شورا تصمیم‌گیری می‌شود، یعنی تصمیم و اتفاق نهایی با ملاحظاتی که مرکز نظارت منعکس‌کرده رقم می‌خورد.

این رویکرد مبتنی بر توسعه با محدودکردن فعالیت از سوی موسسات است. در مقابل یک‌سری از گزارش‌های نظارتی نیز به‌صورت دوره‌ای است. به‌عنوان مثال در کمتر از دوسال گذشته موسسات غیرانتفاعی ما مورد بازدید نظارتی قرار گرفته‌اند. اصرار ما بر انجام بازدیدهای دوره‌ای است تا اگر ایرادی است، از این طریق مورد رصد قرار بگیرد و این کار هم در قالب هیات‌های استانی انجام می‌شود. ما در هر استان یک دانشگاه منتخب داریم که معمولا دانشگاه معین وزارت علوم است و هیات نظارت که وظیفه نظارتی بر موسسات استانی را دارد؛ در آن دانشگاه مستقر است که با تهیه گزارش‌های نظارتی از زیرنظام‌های آموزش عالی مرکز نظارت را در جریان امر قرار می‌دهند.

**امکان تنظیم‌گری برای موسسات از طریق آیین‌نامه نظارت و ارزیابی وجود دارد؟**

اما در پاسخ به بخش دوم سوال‌تان و بحث برخورد قهری، باید بگویم گزارش‌هایی که از طریق مسیر اول به دست‌مان می‌رسد، هرچند شاید درخواست‌ها تنها برای توسعه نباشد و گاهی شکایتی یا گزارش خاصی به دست‌مان می‌رسد که نیازمند تهیه گزارش نظارتی برای آن هستیم، اما درمجموع گزارش‌های نظارتی که تهیه می‌شود، شورای گسترش کمیسیونی با عنوان ماده ۹ دارد، (این کمیسیون ناظر به ماده ۹ مربوطه در آیین‌نامه نظارت و ارزیابی است) که گزارش‌های نظام آموزش کشور باعث شده نگاه‌ما نسبت به شرایط امروز این حوزه تغییر کند. این مسائل باعث شد به‌سراغ روح‌الله رازینی، رئیس مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت این وزارتخانه رفتیم تا بعد از بررسی عملکرد این مرکز، تصویری از آینده نظام آموزش عالی داشته باشیم. به گفته او یکی از برنامه‌های این مرکز، اتصال نظام ارزیابی به نظام‌های تصمیم‌گیری بوده است، اتفاقی که درصورت تحقق می‌تواند تغییرات قابل‌توجهی را رقم بزند.

مرکز به این کمیسیون ارجاع داده می‌شود و اگر موسسه‌ای نصاب‌های لازم را نداشته باشد که مصداق‌شان دقیقا در این آیین‌نامه مشخص شده، به موسسه اعلام می‌شود که چه محدودیت‌هایی ممکن است برای آن ایجاد شود. هرچند نمی‌توان قوه قهریه عنواشان کرد اما از این طریق امکان تنظیم‌گری وجود دارد که سطوح مختلفی هم دارد، یعنی از تذکر شروع می‌شود تا محدود کردن ظرفیت رشته، تا لغو مجوز رشته، و اگر تخلفات در حد گسترده‌ای باشد، بعضا تصمیماتی درمورد انحلال موسسه گرفته شده است که همگی براساس نظارت تخصصی کارشناسان و ناظران خبره اتفاق می‌افتد.

نکته مهم اینکه اگر استانداردها از سوی موسسه‌ای رعایت نشده باشند، تذکر و محدودکردن رشته نسبت به آن اتفاق خواهد افتاد تا نصاب‌ها از سوی موسسه فراهم شود. یکی از بحث‌های مورد توجه ما، بحث هیات علمی است، یعنی موسساتی هستند که به دلایل مختلف هیات علمی مستقر ندارند؛ البته ما انتظار نداریم آنها مثل موسسات آموزش عالی دولتی هیات علمی داشته باشند، چون استانداردها متفاوتند و ماموریت‌ها با هم یکی از اهدافشان خیره‌کردن است، در آن لحاظ شود. در یکی، دوسال اخیر نظام‌های رتبه‌بندی متنوع داخلی ایجاد شده است، مثلا با توجه به اینکه بحث بهره‌وری آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته، رتبه‌بندی‌هایی بر این اساس استخراج و اعلام شد.

هریک از این شاخص‌ها و رتبه‌بندی‌ها جهت‌ده هستند. وقتی دانشگاه‌ها براساس معیاری خاص رتبه‌بندی می‌شوند، این پیامی است که برای کشور توجه به این موضوع خاص اهمیت دارد و شما براساس آن شاخص مدنظر، در موقعیت اعلامی قرار گرفته‌اید و طبیعتا جایگاه دانشگاه‌ها براساس شاخص مذکور منتشر می‌شوند.

در ادبیات رتبه‌بندی طبق الگوهای جدید، بحث تازه‌ای در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مطرح شد که ما مفاهیم رتبه‌بندی و سطح‌بندی را از هم جدا کردیم، چون همواره از نظام رتبه‌بندی ایرادی اساسی گرفته می‌شود که چرا همه زیرنظام‌ها براساس یک‌سری شاخص واحد رتبه‌بندی می‌شوند؟! درحالی‌که ماهیت گونه‌ها و زیرنظام‌های آموزش عالی از حیث هدف و ماموریت از هم متفاوت هستند. آنچه برای سیاستگذار مهم است قبل از رتبه‌بندی، سطح‌بندی است، یعنی ما باید موسسات‌مان را براساس نوع فعالیت‌شان در طبقات همگونی قرار دهیم. اینکه دانشگاه‌های بزرگ و سابقه‌دارمان را با دانشگاه‌های تازه‌تاسیس و دانشگاه‌هایی با ماموریت‌های متفاوت، در یک نظام رتبه‌بندی قرار دهیم و آنها را با هم مقایسه کنیم، کمی محل بحث است. لذا ما مبحث سطح‌بندی را در سال‌های اخیر در اولویت قرار دادیم و الان در مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت درحال طراحی الگوی سطح‌بندی برای زیرنظام‌های مختلف هستیم. مثلا در حوزه غیرانتفاعی تقریبا الگو کامل شده است، یعنی الگوی سطح‌بندی ما برای این زیرنظام آموزشی طراحی شده و اعتبارسنجی اولیه هم انجام گرفته و اگر اعتبارسنجی نهایی شود، در مدت کوتاهی اجرایی خواهد شد. وقتی سطح‌بندی صورت گیرد، رتبه‌بندی داخل آن معنای بهتری پیدا می‌کند، یعنی موسسات همگون به‌لحاظ عملکردی با هم مقایسه می‌شوند. به‌عبارت دیگر رتبه‌بندی ناظر به عملکرد در طبقه همان موسسه خواهد شد. درحالی‌که امروز جای این مقوله، در نظام رتبه‌بندی ما خالی است که امیدوارم نظام سطح‌بندی هم به‌سرعت تکمیل شود.

**امروز هیات‌های نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استانی تا چه میزان به وحدت رویه رسیده‌اند؟**

وحدت رویه امری نسبی است و هرچه بیشتر به این سمت حرکت کنیم، بهتر خواهد بود. البته در این زمینه اقدامات زیرساختی مناسبی انجام داده‌ایم. اولا گزارش‌ها وقتی تنظیم می‌شوند، مستقیما به کمیسیون ماده ۹ ارجاع داده نمی‌شود، بلکه ابتدا با ارجاع به مرکز نظارت کارشناسی شده و اگر احساس کنیم گزارشی به هر دلیل ناقص است یا مستندات‌اش کافی نیست، آن را برمی‌گردانیم، یعنی عملا روی گزارش‌های ارسالی کنترل داریم. بعد از بحث کنترل‌های مرکز نظارت، بحث استانداردسازی و روشن‌کردن چهارچوب‌های گزارش‌های نظارتی ارسالی است، مثلا پرسشنامه حوزه غیرانتفاعی‌ها نزدیک به صد محور دارد. اگر پرسش‌ها و مکانیسم پاسخ‌دهی روشن باشد، عملا یک چهارچوب مشخص تعیین شده است. این طور نیست که گزارش‌ها به صورت آزاد تهیه شوند و باز دیدی آزاد داشته باشیم، بلکه مبنا گزارش‌نامه‌های نظارتی است. قسمتی از وحدت رویه در بخش اول از طریق استانداردسازی ابزار اتفاق می‌افتد و در بخش دوم از طریق آموزش دنبال می‌شود که در دوره جدید براساس تقویم آموزشی که ثبت اطلاعات به انتظار آنها از ستاد، گره نخورده، انگیزه کافی برای انجام این‌کار را ندارند. البته درمورد غیرانتفاعی‌ها وضعیت ثبت اطلاعات بهتر است، یعنی شاید برخلاف تصور بیرونی، میزان نظارت و کسب اطلاعات ما از موسسات غیرانتفاعی در سطح قابل قبولی است. البته نمی‌گویم مطلوب است اما ما هم نظارت خوبی داریم و هم ابزارهای کنترلی مناسبی در این زمینه وجود دارد. شکر خدا که در این یکی، دو ساله پیگیری‌های ارزنده‌ای هم برای ارتقای کمی و کیفی داده‌ها در این سامانه انجام شده و همچنان درحال انجام است. یکی از سیاست‌های ما در سال‌های اخیر این است که فعالیت‌هایمان نه جنبه بازرسی، بلکه جنبه راهنمایی و بهبود داشته باشد. ما حرکت به سمت ارتقای کیفیت را انتخاب کرده‌ایم، یعنی نمی‌خواهیم صرفا برای نظارت، نظارت کنیم، بلکه می‌خواهیم برای تحقق کیفیت و بهبود عملکرد موسسه نظارت کنیم. به همین دلیل در یک‌سال گذشته با موسساتی وارد تعامل شدیم که بعضا استانداردهای لازم را ندارند. البته اگر موسسه‌ای تخلف انجام دهد، باید به‌صورت جدی با او برخورد شود و این کار هم در قالب همین کمیسیون ماده ۹ دنبال می‌شود. در مقابل گاهی برخی موسسات با استانداردهای لازم را در شرایط قانونی نداشته یا دامنه محدودی از استانداردها دارند، از این‌رو با این موسسات وارد تعامل شده، ضمن تحلیل نقاط ضعف موسسه، راهنمایی‌های لازم را برای بهبود آن به‌صورت نسخه برایشان ارائه می‌کنیم تا در یک مهلتی زمانی بتوانند استانداردها را پیاده‌سازی کنند و نقاط ضعف را به حداقل برسانند. این اقدام باعث می‌شود برخی از این مقوله پیدا کنیم، قطعا باید حوزه کام‌به‌گام پیاده کنند، چون فلسفه نظارت و ارزیابی، توقف یا ایجاد مانع در فرآیند موسسات نیست اما درصورت عدم ایجاد بستر حل معضلات و مسائل‌شان در بازه زمانی معین، طبیعی است که مسیر کمیسیون ماده ۹ را مبنی بر حذف رشته یا حتی انحلال طی کنند.

به‌عبارت دیگر ما نظارت را تسهیل‌گر و بهبوددهنده می‌دانیم و برنامه‌هایمان راهم در این مسیر می‌چینیم. به همین دلیل اگر موسساتی با مشکلاتی داشته باشد و طی برنامه‌ای منظم و مدون برای حل مسائل و نقاط ضعف خود برآیند تا مشکلاتش را به‌تدریج حل کند، ما کمالا ایجابی و مثبت با آن موسسه تعامل می‌کنیم.

الان هم نوع مراجعاتی که از موسسات داریم، نشان می‌دهد که نگاه‌شان به مرکز نظارت، به این سمت و سو رفته که مرکز می‌تواند برای موسساتی که واقعا می‌خواهند کار آموزش عالی انجام داده و چهارچوب‌ها را رعایت می‌کنند، یعنی اولا در ماموریت آموزش عالی فعالیت کرده و ثانیا الزام غیرانتفاعی بودن را رعایت می‌کنند و به موضوع آموزش عالی انتفاعی نگاه نمی‌کنند، به جای منع‌گیری، کمک‌کننده و یارگر هستیم و تنها با نگاه قهری، بازدارنده و محدودکننده، با آنها برخورد نمی‌کنیم. در سال اخیر هم موارد را داشتیم که مرکز نظارت در مواجهه با آن، تسهیل‌گر شده تا موسسه بتواند آن استانداردها را کسب کند.

**عمدتا شکایت‌هایی که از موسسات غیرانتفاعی می‌شود، حول چه موضوعی است؟**

موارد شکایت گزارش‌هایی هستند که مدیریتی و سیستمی بوده‌اند و مربوط به عملکرد موسسه هستند. رسیدگی به شکایت‌های شخصی و موردی در حیطه وظایف مرکز نظارت نیست و ورود به این مسائل جزء در غیرانتفاعی‌ها و چه در سایر زیرنظام‌ها، برعهده حوزه‌های بازرسی، حراست و تحلقات اداری است. گاهی همین گزارش‌های دوره‌ای ما منجر می‌شود که هیات نظارت بیاید و بازخوردی بدهد که مثلا در فلان موسسه یک استاندارد یا مساله‌ای رعایت نمی‌شود و آن وقت ما وارد می‌کنیم و آن را به کمیسیون ماده ۹ ارجاع می‌دهیم. در جایی که اشکال جدی احساس نکنیم، این را به کمیسیون ماده ۹ که در دفتر آموزش عالی غیردولتی ذیل معاونت آموزشی است و مرکز نظارت نیز عضو آن است گزارش می‌دهیم.

خوشبختانه در دوره جدید یعنی در یک‌سال اخیر تعامل خوبی بین سه، چهار رکن حاضر در این کمیسیون ایجاد شده است. این ارکان شامل مرکز هیات‌امنا، دفتر آموزش عالی غیردولتی و مرکز نظارت است؛ البته مجموعه‌های دیگری مثل بازرسی، حراست و حقوقی هم مشارکت دارند اما اصلی‌ترین امور مربوط به غیرانتفاعی‌ها در مرکز نظارت، هیات‌امنا و دفتر آموزش عالی غیردولتی انجام می‌شود. الحمدلله در این یک‌سال وضع هماهنگی خوبی با رویکردی یکسان در این زمینه اتفاق افتاده و امیدواریم وضعیت موسسات غیرانتفاعی سروسامانی پیدا کند.

**امروز هیات‌های نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استانی تا چه میزان به وحدت رویه رسیده‌اند؟**

بله، ما دو مسیر برای نظارت و ارزیابی موسسات داریم؛ یکی زمانی است که موسسات درخواست‌هایی دارند، به‌خصوص وقتی درخواست توسعه‌محور باشد. شرایط شان را حتما بررسی می‌کنیم، مثلا موسسه‌ای که می‌خواهد دانشکده جدید یا رشته جدید ایجاد کند. در این شرایط گزارش مرکز نظارت اخذ می‌شود برای اینکه ببینیم وضعیت موسسه متقاضی چگونه است و آیا ظرفیت لازم برای توسعه را دارد یا نه؟ اخیرا هم بیشتر روی این تاکید شده و بنابر تاکید مقام اسنادی وزارت در شورای گسترش آموزش عالی، تصمیماتی که برای توسعه حتی دانشگاه‌های دولتی، پارک‌های علم و فناوری و پژوهشگاه‌ها گرفته می‌شود، منوط به دریافت گزارش از مرکز نظارت شده است، یعنی حتما در فرآیند تصمیم‌گیری به آن گزارش استناد و در مجموع برآیند کار در شورا تصمیم‌گیری می‌شود، یعنی تصمیم و اتفاق نهایی با ملاحظاتی که مرکز نظارت منعکس‌کرده رقم می‌خورد.

این رویکرد مبتنی بر توسعه با محدودکردن فعالیت از سوی موسسات است. در مقابل یک‌سری از گزارش‌های نظارتی نیز به‌صورت دوره‌ای است. به‌عنوان مثال در کمتر از دوسال گذشته موسسات غیرانتفاعی ما مورد بازدید نظارتی قرار گرفته‌اند. اصرار ما بر انجام بازدیدهای دوره‌ای است تا اگر ایرادی است، از این طریق مورد رصد قرار بگیرد و این کار هم در قالب هیات‌های استانی انجام می‌شود. ما در هر استان یک دانشگاه منتخب داریم که معمولا دانشگاه معین وزارت علوم است و هیات نظارت که وظیفه نظارتی بر موسسات استانی را دارد؛ در آن دانشگاه مستقر است که با تهیه گزارش‌های نظارتی از زیرنظام‌های آموزش عالی مرکز نظارت را در جریان امر قرار می‌دهند.

**موسسات آموزشی بعضا انگیزه‌ای برای ثبت اطلاعات‌شان در سامانه ساعا ندارند**

**ایجاد سامانه هوشمند برای نظارت و ارزیابی به کجا رسید؟**

مقدمات این کار فراهم شده است. برای هوشمندسازی نظارت و ارزیابی، گام اول داشتن داده‌های معتبر و جریان ثبت داده مناسب است، ما سامانه‌ای از قدیم در آموزش عالی به‌نام سامانه ساعا با HES داشتیم. در این سامانه اطلاعات آموزش عالی توسط موسسات بارگذاری می‌شود. البته اولویت ما این است که اطلاعات این سامانه هم به‌لحاظ کمیت و هم به‌لحاظ کیفیت و شفافیت به سطح مطلوبی برسد. کارهای مقدماتی انجام شده و الان داشبورد اولیه‌ای در مسیر هوشمندسازی روی همین سامانه داریم که فعال است. اما ضعف ما، تا حدودی در بحث‌های داده‌ای و اطلاعاتی است؛ چراکه موسسات بعضا انگیزه لازم برای ثبت اطلاعات ندارند و از آنجا که ثبت اطلاعات به انتظار آنها از ستاد، گره نخورده، انگیزه کافی برای انجام این‌کار را ندارند. البته درمورد غیرانتفاعی‌ها وضعیت ثبت اطلاعات بهتر است، یعنی شاید برخلاف تصور بیرونی، میزان نظارت و کسب اطلاعات ما از موسسات غیرانتفاعی در سطح قابل قبولی است. البته نمی‌گویم مطلوب است اما ما هم نظارت خوبی داریم و هم ابزارهای کنترلی مناسبی در این زمینه وجود دارد. شکر خدا که در این یکی، دو ساله پیگیری‌های ارزنده‌ای هم برای ارتقای کمی و کیفی داده‌ها در این سامانه انجام شده و همچنان درحال انجام است. یکی از سیاست‌های ما در سال‌های اخیر این است که فعالیت‌هایمان نه جنبه بازرسی، بلکه جنبه راهنمایی و بهبود داشته باشد. ما حرکت به سمت ارتقای کیفیت را انتخاب کرده‌ایم، یعنی نمی‌خواهیم صرفا برای نظارت، نظارت کنیم، بلکه می‌خواهیم برای تحقق کیفیت و بهبود عملکرد موسسه نظارت کنیم. به همین دلیل در یک‌سال گذشته با موسساتی وارد تعامل شدیم که بعضا استانداردهای لازم را ندارند. البته اگر موسسه‌ای تخلف انجام دهد، باید به‌صورت جدی با او برخورد شود و این کار هم در قالب همین کمیسیون ماده ۹ دنبال می‌شود. در مقابل گاهی برخی موسسات با استانداردهای لازم را در شرایط قانونی نداشته یا دامنه محدودی از استانداردها دارند، از این‌رو با این موسسات وارد تعامل شده، ضمن تحلیل نقاط ضعف موسسه، راهنمایی‌های لازم را برای بهبود آن به‌صورت نسخه برایشان ارائه می‌کنیم تا در یک مهلتی زمانی بتوانند استانداردها را پیاده‌سازی کنند و نقاط ضعف را به حداقل برسانند. این اقدام باعث می‌شود برخی از این مقوله پیدا کنیم، قطعا باید حوزه کام‌به‌گام پیاده کنند، چون فلسفه نظارت و ارزیابی، توقف یا ایجاد مانع در فرآیند موسسات نیست اما درصورت عدم ایجاد بستر حل معضلات و مسائل‌شان در بازه زمانی معین، طبیعی است که مسیر کمیسیون ماده ۹ را مبنی بر حذف رشته یا حتی انحلال طی کنند.

به‌عبارت دیگر ما نظارت را تسهیل‌گر و بهبوددهنده می‌دانیم و برنامه‌هایمان راهم در این مسیر می‌چینیم. به همین دلیل اگر موسساتی با مشکلاتی داشته باشد و طی برنامه‌ای منظم و مدون برای حل مسائل و نقاط ضعف خود برآیند تا مشکلاتش را به‌تدریج حل کند، ما کمالا ایجابی و مثبت با آن موسسه تعامل می‌کنیم.

الان هم نوع مراجعاتی که از موسسات داریم، نشان می‌دهد که نگاه‌شان به مرکز نظارت، به این سمت و سو رفته که مرکز می‌تواند برای موسساتی که واقعا می‌خواهند کار آموزش عالی انجام داده و چهارچوب‌ها را رعایت می‌کنند، یعنی اولا در ماموریت آموزش عالی فعالیت کرده و ثانیا الزام غیرانتفاعی بودن را رعایت می‌کنند و به موضوع آموزش عالی انتفاعی نگاه نمی‌کنند، به جای منع‌گیری، کمک‌کننده و یارگر هستیم و تنها با نگاه قهری، بازدارنده و محدودکننده، با آنها برخورد نمی‌کنیم. در سال اخیر هم موارد را داشتیم که مرکز نظارت در مواجهه با آن، تسهیل‌گر شده تا موسسه بتواند آن استانداردها را کسب کند.

**عمدتا شکایت‌هایی که از موسسات غیرانتفاعی می‌شود، حول چه موضوعی است؟**

موارد شکایت گزارش‌هایی هستند که مدیریتی و سیستمی بوده‌اند و مربوط به عملکرد موسسه هستند. رسیدگی به شکایت‌های شخصی و موردی در حیطه وظایف مرکز نظارت نیست و ورود به این مسائل جزء در غیرانتفاعی‌ها و چه در سایر زیرنظام‌ها، برعهده حوزه‌های بازرسی، حراست و تحلقات اداری است. گاهی همین گزارش‌های دوره‌ای ما منجر می‌شود که هیات نظارت بیاید و بازخوردی بدهد که مثلا در فلان موسسه یک استاندارد یا مساله‌ای رعایت نمی‌شود و آن وقت ما وارد می‌کنیم و آن را به کمیسیون ماده ۹ ارجاع می‌دهیم. در جایی که اشکال جدی احساس نکنیم، این را به کمیسیون ماده ۹ که در دفتر آموزش عالی غیردولتی ذیل معاونت آموزشی است و مرکز نظارت نیز عضو آن است گزارش می‌دهیم.

خوشبختانه در دوره جدید یعنی در یک‌سال اخیر تعامل خوبی بین سه، چهار رکن حاضر در این کمیسیون ایجاد شده است. این ارکان شامل مرکز هیات‌امنا، دفتر آموزش عالی غیردولتی و مرکز نظارت است؛ البته مجموعه‌های دیگری مثل بازرسی، حراست و حقوقی هم مشارکت دارند اما اصلی‌ترین امور مربوط به غیرانتفاعی‌ها در مرکز نظارت، هیات‌امنا و دفتر آموزش عالی غیردولتی انجام می‌شود. الحمدلله در این یک‌سال وضع هماهنگی خوبی با رویکردی یکسان در این زمینه اتفاق افتاده و امیدواریم وضعیت موسسات غیرانتفاعی سروسامانی پیدا کند.

**امروز هیات‌های نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استانی تا چه میزان به وحدت رویه رسیده‌اند؟**

وحدت رویه امری نسبی است و هرچه بیشتر به این سمت حرکت کنیم، بهتر خواهد بود. البته در این زمینه اقدامات زیرساختی مناسبی انجام داده‌ایم. اولا گزارش‌ها وقتی تنظیم می‌شوند، مستقیما به کمیسیون ماده ۹ ارجاع داده نمی‌شود، بلکه ابتدا با ارجاع به مرکز نظارت کارشناسی شده و اگر احساس کنیم گزارشی به هر دلیل ناقص است یا مستندات‌اش کافی نیست، آن را برمی‌گردانیم، یعنی عملا روی گزارش‌های ارسالی کنترل داریم. بعد از بحث کنترل‌های مرکز نظارت، بحث استانداردسازی و روشن‌کردن چهارچوب‌های گزارش‌های نظارتی ارسالی است، مثلا پرسشنامه حوزه غیرانتفاعی‌ها نزدیک به صد محور دارد. اگر پرسش‌ها و مکانیسم پاسخ‌دهی روشن باشد، عملا یک چهارچوب مشخص تعیین شده است. این طور نیست که گزارش‌ها به صورت آزاد تهیه شوند و بازدیدی آزاد داشته باشیم، بلکه مبنا گزارش‌نامه‌های نظارتی است. قسمتی از وحدت رویه در بخش اول از طریق استانداردسازی ابزار اتفاق می‌افتد و در بخش دوم از طریق آموزش دنبال می‌شود که در دوره جدید براساس تقویم آموزشی برای آموزش‌های مختلف به دیسران، کارشناسان و اعضای هیات‌ها اهتمامی جدی داریم. البته این مساله از گذشته شروع و تا امروز توسعه پیدا کرده است.

نکته سوم هم برای رسیدن به وحدت رویه، کنترل‌های متمرکزی است که روی گزارش‌های نظارتی انجام می‌شود و هیات‌ها ملزم هستند که حتما برای برگزاری‌های مرکز نظارت صورت می‌گیرد، تخصیص‌های بودجه‌ای هم باید از این حوزه سهمی داشته باشند و به آن توجه شود.

**فکر می‌کنید اگر این اتفاق بیفتد، بحث رغبت دانشگاه‌ها برای مشارکت و ثبت اطلاعات‌شان در هم‌سویی با نظارت بیشتر می‌شود؟**

بله، همین طور است. برداشت ما این است که شاید مقداری غلبه سیاست‌های تشویقی باید پررنگ‌تر شود و ما بتوانیم تبهیدگی‌مان را به موسساتی که خوب عمل می‌کنند، نشان دهیم، یعنی اگر موسسه‌ای در مسیر رشد قرار گرفت، وزارت علوم و نظام آموزش عالی می‌تواند در منابع، سیاست‌ها و اختیارات به او کمک کند. وقتی بطلوع موسسه‌ای تلاش رفت، شما می‌توانید اختیارات و امکانات بیشتری به آن اختصاص دهید.

**تحقق استقلال دانشگاه از طریق گزارش‌های مرکز نظارت و ارزیابی امکان‌پذیر است**

**اعتقاد شما این است که بحث استقلال دانشگاه‌ها به نوعی از مسیر گزارش‌های همین مرکز محقق می‌شود؟**

بله، از همین مسیر است یعنی لازمه استقلال دانشگاه‌ها، بلوغ است. اگر موسسه‌ای بتواند به آن سطح برسد، می‌تواند به همین میزان به استقلال نزدیک شود. به‌عنوان تمثیل می‌توان گفت زمانی که فرد به رشد و بالندگی برسد، می‌تواند از خانواده و از برخی وابستگی‌هایش به یک‌معنا مستقل شود. ضمن اینکه چون حکمرانی اقتضائات خودش را دارد، قطعا اتصالاتی برای سیاستگذاری و تعیین خط‌مشی‌ها وجود دارد، اما دیگر نیاز به ورود به جزئیات برای ارائه موسسه نخواهد بود.

**از چالش‌های نظارت بگویید و اینکه ورود شما چه بازخوردی از سمت گزارش‌ها داشت؟**

یک‌سری چالش‌های رایج عموما در بحث‌های نظارتی وجود دارد که بخشی از آن به ماهیت نظارت برمی‌گردد. یکی از چالش‌ها همین‌گاه به نظارت و ارزیابی استانی است، البته اینجا باید به این مساله اشاره کنم یکی از کارهایی که ما در سال اخیر روی آن تمرکز کردیم، بحث تضمین کیفیت بود، ضمن اینکه نظارت و ارزیابی را هم لازم و هم مقدمه می‌دانیم اما اصل بحث‌مان روی بحث کیفیت است. همه این کارها انجام می‌شوند تا کیفیت آموزش عالی، پژوهش و فناوری ارتقا یابد. یک‌سری کارها را در گفتمان‌سازی این جریان انجام دادیم، با مثلا سفرهایی را طراحی کردیم یا عنوان «سفر کیفیت» که استان به استان برنامه هفتگی داریم و به هر استانی که می‌رویم، در آن هم بحث آموزش نیروی انسانی دنبال می‌شود. هم بحث نظارتی و هم بحث وحدت رویه. جلساتی هم با هیات استانی برگزار می‌کنیم.

**شخصا به این سفرها می‌روید؟**

بله، تا امروز ۱۰ استان را برای این سفر کیفیت رفته‌ام و تعداد زیادی از همکاران مرکز نیز با بر قابلیت‌های استان در سفر برای ارزیابی، برگزاری دوره‌های آموزشی و... حاضر می‌شوند. همچنین بازدید منتخب از بعضی موسسات را داریم و معمولا روز چهارشنبه آن هفته، دانشگاه‌های منتخب استان را برگزار می‌کنیم. خوب بعد خدمت دوستان می‌رسم و مسائل استان و مسائل کلی نظارت و ارزیابی را با آنها به اشتراک می‌گذاریم. نکته‌ای که باید به ما همین موضوع سطح‌بندی بود؛ چراکه در گذشته گاهی ما موسسات